

گزارشی مستند از حوادث بعد از کربلا

برگرفته از احادیث اهل بیت علیهم السلام و اسناد معتبر تاریخی

تألیف

محمد محمدیان



مؤسسه انتشارات امیرکبیر

تهران، ۱۳۹۳

فهرست

۷	مقدمه
۱۹	۱. دگرگونی فضا و گریه آسمان‌ها و زمین و فرشتگان
۲۱	۲. ندایی که در مدینه سر داده شد
۲۳	۳. آغاز اسارت اهل بیت امام حسین <small>علیه السلام</small>
۲۵	۴. زینب کبری <small>علیها السلام</small> و وداع با پیکر شهیدان
۲۸	۵. سکینه در کنار پیکر امام <small>علیه السلام</small>
۳۰	۶. زینب کبری <small>علیها السلام</small> تسلی بخش زین العابدین <small>علیه السلام</small>
۴۲	۷. ورود اسیران کربلا به کوفه
۴۴	۸. سخنرانی زینب کبری <small>علیها السلام</small> در کوفه
۴۹	۹. سخنرانی فاطمه دختر امام حسین <small>علیه السلام</small>
۵۶	۱۰. سخنرانی ام کلثوم دختر امیرالمؤمنین <small>علیه السلام</small>
۵۹	۱۱. سخنرانی امام زین العابدین <small>علیه السلام</small>
۶۳	۱۲. زینب کبری <small>علیها السلام</small> در مجلس ابن زیاد
۶۷	۱۳. شجاعت زین العابدین <small>علیه السلام</small> در مجلس ابن زیاد
۶۹	۱۴. حرکت کاروان اسیران به سوی شام
۷۱	۱۵. تقاضای ام کلثوم از شصر!
۷۳	۱۶. ورود اسیران به شام
۷۵	۱۷. سکینه نگران نگاه‌های ناپاک!

۱۸. گفتگوی زین العابدین علیه السلام با پیرمرد شامی ۷۷
۱۹. حضور اسیران در مجلس یزید ۸۰
۲۰. مرثیه سرایی زینب کبری علیها السلام ۸۲
۲۱. پاسخ قاطع زین العابدین علیه السلام به اهانت یزید ۸۴
۲۲. استناد زین العابدین علیه السلام به آیه قرآن ۸۷
۲۳. پاسخی دیگر از زین العابدین علیه السلام ۸۹
۲۴. خطبه زینب کبری علیها السلام در مسجد شام ۹۲
۲۵. خطبه زین العابدین علیه السلام در مسجد شام ۱۰۱
۲۶. به کنیزی خواسته شدن فاطمه دختر امام حسین علیه السلام! ۱۱۰
۲۷. سر مبارک امام حسین علیه السلام در بزم یزید! ۱۱۳
۲۸. استقرار اسیران در خرابه شام ۱۱۵
۲۹. رؤیای سکینه دختر امام حسین علیه السلام ۱۱۷
۳۰. زین العابدین علیه السلام در بازار شهر شام ۱۳۱
۳۱. گفتگوی یزید با زین العابدین علیه السلام در مورد سه تقاضا ۱۲۳
۳۲. ورود اهل بیت امام حسین علیه السلام به کربلا ۱۲۵
۳۳. جابر زائر قبر امام حسین علیه السلام ۱۳۷
۳۴. اهل بیت امام حسین علیه السلام در نزدیکی مدینه ۱۳۱
۳۵. سخنرانی زین العابدین علیه السلام برای مردم مدینه ۱۳۵
۳۶. مرثیه های ام البنین مادر عباس ۱۳۸
۳۷. مرثیه رباب همسر وفادار امام علیه السلام ۱۴۱
۳۸. مرثیه سکینه دختر امام حسین علیه السلام ۱۴۴
۳۹. گریه و عزاداری امام زین العابدین علیه السلام ۱۴۷
۴۰. پیروز میدان کربلا ۱۴۹
- منابع ۱۵۱
- فهرست آیات ۱۵۵
- نماینه ۱۵۷

مقدمه

«وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ يُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتٌ بَلْ أَحْيَاءُ وَلَكِنْ لَا تَشْعُرُونَ»^۱
و به آنها که در راه خدا کشته می‌شوند، مرده نگویید! بلکه آنان زنده‌اند، ولی شما نمی‌فهمید!

«وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءُ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ»^۲
هرگز گمان مبر کسانی که در راه خدا کشته شدند، مردگانند! بلکه آنان زنده‌اند، و نزد پروردگارشان روزی داده می‌شوند.

آری شهادت، مرگ نیست که غبار رکود و سکون و رخوت را در فضای جامعه پیرا کند، شهادت حیاتی برتر است که خون تازه‌ای در رگ‌های جامعه تزریق می‌کند و حرکت و پویایی و تحول و تعالی را به ارمغان می‌آورد. اگر شهیدان مرده نیستند که حتماً نیستند پس شهادت پایان کار آنها نخواهد بود و چراغی که از پرتو مجاهدت شهیدان برافروخته می‌شود تا ابد راه رهیویان حق و حقیقت را روشن خواهد ساخت.

شهیدان کربلا بهترین شاهد برای زنده بودن مقتولین در راه خدا هستند، و بلکه بسیار زنده‌تر از کسانی که نام خود را زندگان روی

۱. بقره: ۱۵۴.

۲. آل عمران: ۱۶۹.

زمین گذاشته‌اند و گاهی جز مردگان متحرک نام دیگری نتوان بر روی آنها نهاد!

با شهادت حسین بن علی علیه السلام و یاران وفادارش کار دین تمام نشد و چراغ هدایت خاموش نگشت! کربلا پایان یک حادثه تلخ و غمبار نبود! کربلا آغاز یک نهضت بزرگ حماسی بود تا ارکان اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله را مستحکم و طنین آوای توحید را تا قیام قیامت در گوش زنده‌دلان به صدا درآورد.

امام حسین علیه السلام ولی خدا و حجت حق الهی بود و با بصیرت فوق‌العاده‌ای که داشت می‌دانست شجره طیبه‌ای که با شهادت او و یارانش در سرزمین کربلا غرس می‌شود نیاز به آبیاری و محافظت دارد، تا این نهال پربرکت تبدیل به درخت تنومندی گردد که همه آزادی‌خواهان جهان در طول تاریخ در سایه آن به جهاد در راه خدا بپردازند و امید به وعده‌های الهی را بیاموزند و استقامت در مسیر حق را تعلیم بینند و قربانی شدن برای آرمان‌های الهی را تجربه کنند.

امام حسین علیه السلام برای آبیاری و محافظت از نهال تازه غرس‌شده شهادت خویش در کربلا، برنامه‌ریزی دقیقی داشت. امام علیه السلام با همراه ساختن خانواده‌اش و سپردن پرچم نهضت خویش به دست با کفایت خواهر گرانقدرش زینب کبری علیها السلام استمرار راهش را حتمی و قطعی ساخت و همه نگرانی‌ها را از پایمال شدن خون شهیدان کربلا برطرف کرد و شعله‌ور ماندن نور خدا را تضمین نمود.

بسیاری از افراد حکمت همراهی خانواده امام حسین علیه السلام را در این سفر پرابهام و پرخطر نمی‌دانستند و سیاستمدارانی همانند عبدالله بن عباس که در دلسوزی و خیراندیشی آنها تردیدی وجود نداشت زبان به اعتراض گشودند و

از حضرت خواستند برای محافظت از حرمت بانوان از همراهی آنها با کاروان اجتناب نماید! ولی امام حسین علیه السلام می‌دانست در چه راهی قدم گذاشته است و نقش زنان و حتی کودکان در استمرار این راه چه خواهد بود! در آن روزگاری که از رسانه‌های خبری امروزی خبری نبود و تنها رسانه موجود سخنرانی و ایراد خطبه و سرودن شعر بود که سینه‌به‌سینه نقل می‌شد و معدود نویسندگان نیز آنها را ثبت و ضبط می‌کردند. دختران رسول خدا صلی الله علیه و آله رسالت سنگینی را بر دوش گرفتند و در کمال هزلت و در سخت‌ترین شرایط اسارت با سخنرانی‌های آتشین و پرسوز و گداز توانستند کار صدها رسانه را انجام دهند و خطبه‌هایشان را سینه به سینه در جهان اسلام و نسل به نسل منتقل کنند تا پیام نهضت کربلا زنده و تأثیرگذار بماند و راه جهاد و شهادت پر نشاط و پر رهرو باشد.

شیر در قفس و اسیر در بند و غرق در زنجیر باز هم شیر است و ذره‌ای از ابهت و شجاعتش کاسته نمی‌شود! اسیران کربلا شیرزانی بودند که حتی در لباس اسیری احساس ضعف و حقارت نکردند و مقهور و مغلوب دشمن به‌ظاهر پیروز و سرمست قدرت نشدند و لحظه‌ای حس شکست خوردن را به دل خویش راه ندادند! کودکان و نوجوانان این قافله نیز کمتر از پهلوانان میدان جنگ و رزم نبودند و گویی از پستان شجاعت شیر نوشیده بودند و در دامن شهامت و جسارت پرورش یافته بودند.

از عصر عاشورا که امام حسین علیه السلام نیز به خیل شهیدان پیوست، صفحه دیگر قیام کربلا ورق خورد و زینب کبری علیها السلام زمام امر نهضت را به دست گرفت و مدیریت بحران را در عالی‌ترین سطح آن به نمایش گذاشت و ثابت کرد که دختر شایسته امیرالمؤمنین علیه السلام و زهرای اطهر علیها السلام است و خردمندترین و دانشمندترین شخصیت بنی‌هاشم می‌باشد!

مدیریت قریب به هشتاد زن و کودک که سخت‌ترین روز تاریخ بشریت را پشت سر گذاشته و اعظم مصیبت‌ها را با چشم خود مشاهده کرده‌اند، و غارت خیمه‌ها و به تاراج رفتن دار و ندارشان و حتی چادر و روسری‌هایشان را تجربه نموده‌اند، و اکنون در محاصرهٔ سی‌هزار دشمن پست و پلید قرار گرفته و آمادهٔ پوشیدن لباس اسارت هستند، کار بسیار دشوار و طاقت‌فرسایی بود که بر عهدهٔ زینب کبری علیها السلام نهاده شده بود. او خود داغ شش برادر و دو فرزند و چندین برادرزاده و ده‌ها عزیز دیگر را در کمتر از یک روز بر دل داشت و اشک‌های مادران شهید، ناله‌های خواهران شهید و سوز جگر فرزندان شهید که همگی اطرافش را گرفته و انتظار تسلی‌بخشی داشتند، داغ دیگری بود که بر دلش می‌نشست و بار غمش را سنگین‌تر می‌ساخت! اما زینب، شیرزن کربلا بود و با این داغ‌ها از پا نیفتاد و رسالت خویش را فراموش نکرد و لحظه‌ای متحیر نماند و در انجام وظیفه کوتاهی نورزید. اگر در جهان فقط یک مدال افتخار مدیریت بحران وجود داشته باشد تنها و تنها سینهٔ زینب کبری علیها السلام است که شایستگی آن مدال را در عالی‌ترین سطح دارد و بس.

مردم کوفه که دعوت‌کنندگان از امام حسین علیه السلام بودند و نامه‌های فراوان به آن حضرت نوشته و آمادگی خویش را برای یاری و همراهی با ایشان اعلام کرده و حتی با نمایندگی آن حضرت بیعت کرده بودند، در یک پیچ تاریخی فوق‌العاده مهم و حساس دست از یاری آن حضرت برداشتند و جز تعدادی اندک که خود را به کربلا رسانده و به عهد خویش وفادار ماندند، بقیه یا در گوشهٔ عزلت خزیدند و یا حتی به جنگ و مقابله با کاروان یادگاران رسول خدا صلی الله علیه و آله شتافتند! و مدت زمان زیادی نگذشت که اهل بیت امام حسین علیه السلام و تعدادی از

بازماندگان شهدای کربلا در قالب کاروان اسیران وارد همین شهر کوفه شدند و مردم این شهر غرق در حیرت و بهت و غم و اندوه گشتند!

مردم این شهر با خاندان رسول خدا ﷺ آشنا بودند و حداقل پنج سال با امیرالمؤمنین علیه السلام و فرزندانش در این شهر زندگی کرده بودند. آنها شاهد خطبه‌های آنشین علی بن ابیطالب علیه السلام در مسجد کوفه بودند و مهر و عطوفت علوی را با تمام وجود حس کرده بودند. آنها طعم شیرین عدالت امیرالمؤمنین علیه السلام را چشیده و برادری و برابری را فقط و فقط در آن دوره کوتاه پنج‌ساله تجربه کرده و در سایه‌سار ولایت آرمیده بودند! مشاهده اسارت دختران و فرزندان امیرالمؤمنین علیه السلام برای مردم این شهر مصیبت سنگینی بود و سنگین‌تر از آن احساس گناهی که از این بابت داشتند و خود را در این مصیبت مقصر می‌دانستند!

با ورود کاروان اسیران به کوفه، امواج غم و اندوه فضای این شهر را در بر گرفت و صدای ناله از هر کوی و برزن به گوش رسید و این زیاد و عمر بن سعد و دستگاه حاکمه در آن شهر فرصتی برای شادی و برگزاری جشن پیدا نکردند. انبوه جمعیتی که ناله‌کنان بر گرد کاروان اسیران جمع شده و با آنان همدردی کرده و عذرخواهی می‌نمودند به گونه‌ای بود که دستگاه حاکمه نمی‌توانست مانع از سخنرانی بزرگان کاروان اسیران گردد و به همین دلیل بود که فرصت خوبی برای ایراد خطبه توسط امام زین‌العابدین علیه السلام و زینب کبری علیه السلام و چند تن دیگر از بانوان فراهم آمد و در همان گام اول روشنگری‌های زیادی اتفاق افتاد و مظلومیت شهدای کربلا در بهترین شکل تبیین شد.

در مجلس این زیاد هم پیروزی با اسیران کربلا بود و همگان حقارت و ذلت این زیاد و عمر بن سعد را مشاهده می‌کردند که حتی جرئت خندیدن و اظهار شادمانی نداشتند. برخورد زینب کبری علیه السلام با این زیاد

چنان قاطع و کوبنده بود که مجلس جشن وی را تبدیل به مجلس عزاء و خواری نمود تا آنجا که چاره‌ای جز اعزام این کاروان به شام در مقابله خویش ندید و در اولین فرصت دست به ایت اقدام زد.

وضعیت شهر شام تفاوت زیادی با کوفه داشت. مردم شام تربیت‌شدگان حزب ابوسفیان بودند و اسلام را با قرائت معاویه دریافته و با تربیت خاص اموی پرورش یافته بودند. این مردم در جنگ صفین به جنگ طولانی مدت با امیرالمؤمنین علیه السلام پرداخته و بر اثر تبلیغات سنگین دستگاه بنی‌امیه، بغض و دشمنی با علی بن ابی‌طالب علیه السلام و فرزندان او در شخصیت آنها نهادینه گشته بود. آنها کشته شدن حسین بن علی علیه السلام را فتح و پیروزی بزرگی برای حاکم و زمامدار خویش می‌دانستند و هنگامی که خبر آمدن اسیران را به شهر شام شنیدند، با آذین‌بندی شهر و برپایی مجالس شادی به استقبال اسیران رفتند! شهر شام غرق در شادی و سرور گشته بود و نوازندگان و رقاصان جشن بزرگی را به این مناسبت راه انداخته بودند و کاروان اسیران در میان هلهله و کف و سوت تماشاگران وارد این شهر شد!

سخت‌ترین مأموریت بازماندگان کربلا در شهر شام بود که در همان روز اول توانستند فضای جشن و شادی را تغییر دهند و مسجد شام را که پایگاه اصلی حزب بنی‌امیه به‌شمار می‌رفت و سال‌های سال بر منبر آن مسجد علیه امیرالمؤمنین علیه السلام سخن گفته شده بود و بلکه هر روز سب و لعن و اهانت شده بود، تحت تأثیر خویش قرار داده و چشمان مردم بی‌خبر آن را اشکباران کردند!

خطبه زینب کبری علیه السلام و امام سجاد علیه السلام در این مسجد شاهکار کاروان اسیران به‌شمار می‌رود و بدون تردید ستون‌های حکومت یزید

را متزلزل ساخت! این دو خطبه زلزله‌ای در شام پدید آورد که تار و پود حزب ابوسفیان را درهم ریخت و حقیقت را برای مردم شام آشکار ساخت و هنر بطلانی بر حدود نیم قرن تبلیغات علیه خاندان پاک رسول خدا ﷺ زد!

عمق تأثیرگذاری اسیران کربلا در شام را از دو برخورد متناقض یزید در فاصله‌ای بسیار اندک می‌توان درک نمود. اشعاری که یزید در روز اول ورود اسرا به شام قرائت کرد و با کنایه و صراحت به انکار رسالت رسول خدا ﷺ پرداخت و اظهار شادمانی وی از انتقامی که در برابر جنگ بدر و خندق از رسول خدا ﷺ گرفته بود! عملکرد اول یزید به‌شمار می‌رود، و چند روز بعد لعن و نفرینش به ابن زیاد و عمر بن سعد و متوجه کردن مسئولیت قتل امام حسین علیه السلام به آنان عملکرد دوم وی می‌باشد. به‌راستی در این چند روز چه حادثه‌ای در شام اتفاق افتاد که موجب عقیب‌نشینی یزید گشت و حتی وی را وادار به بازگرداندن محترمانه کاروان اسیران به مدینه نمود؟ شکی نیست که یزید با آن قساوت قلب و خبائث باطنی و فساد اخلاقی که داشت انقلاب روحی پیدا نکرده و به حقانیت رسول خدا ﷺ و خاندانش ایمان نیاورده بود! آنچه یزید را وادار به چنین رفتاری کرد تأثیر اسیران کربلا در افکار عمومی مردم شام بود که نگرانی شدید دستگاه حاکمه را در پی داشت و آنها برای حفظ موقعیت سیاسی و حاکمیت خویش چاره‌ای جز توجیه رفتار غلط و زشت خویش و بازگرداندن توأم با احترام اهل بیت امام حسین علیه السلام به مدینه نداشتند!

کاروان آزادگان و بازماندگان کربلا در راه بازگشت به مدینه وارد کربلا شدند. صحنه‌های عاطفی ورود آنان به کربلا قابل تصویر و تبیین نیست! وجب به وجب این خاک مقدس برای آنها خاطرات بس عظیمی داشت، و یادآوری مصیبت‌هایی که اعظم مصائب بنی‌آدم بود توفانی از غم و اندوه در دل‌هایشان برپا ساخته بود! امروز دیگر تازیانه‌های دشمن بالای سر آنها نبود و با خاطری آسوده می‌توانستند بر شهدای کربلا و سیدالشهداء علیه السلام گریه کنند.

غصه‌های در گلو مانده که از کربلا تا کوفه و از کوفه تا شام در سینه‌ها حبس شده بود، همگی یکجا ترکید و سرزمین کربلا یکپارچه باران اشک شد که بر رخسار خستگان عشق حسینی جاری می‌گشت! در طول سفر هر بانویی که زانوی غم در بغل می‌گرفت و هر کودکی که بر اثر ستم و بیداد دشمن می‌گریست، زینب کبری علیها السلام بود که به سراغش می‌رفت و تسلیش می‌داد و مرهمی بر جراحت دلشان می‌نهاد، اما در کربلا همه کاروان چشم به زینب کبری علیها السلام دوخته بودند و سوز اشک وی را مشاهده می‌کردند و دوست داشتند تسلی قلب وی باشند و اندکی از غم و غصه او بکاهند و بر دل سوخته‌ی مرهمی بگذارند. درد دل‌های زینب با برادرش شنیدنی بود و زمین و آسمان را به گریه می‌انداخت! او بار امانت را به مقصد رسانده و هم‌اکنون با روسفیدی بر سر مزار برادر حاضر شده بود و تازه فرصتی برای گریستن پیدا کرده بود! تنها شرمندگی زینب کبری از بابت یکی از بچه‌های کاروان بود که به یادگار در خرابه شام باقی مانده بود و صد البته که عذرش در نزد برادر پذیرفته شده بود! آری دوش آن کودک برای بار سنگین مصیبت بسیار کوچک بود!

مادران شهدا فرصتی به دست آورده بودند تا برای فرزندان‌شان عزاداری

کنند و نیز به یاد مادرانی همچون ام البنین که فرزندانشان در کربلا به شهادت رسیده بودند ولی در آنجا حضور نداشتند عزاداری می کردند.

فرزندان شهدا خاطرات آغوش گرم پدرانشان را مرور می کردند و به یاد دست های نوازشی که بر سرشان کشیده شده بود و در فراق مهربانی های فراموش ناشدنی می گریستند. همسران شهدا در صدد آرام کردن فرزندان بیودند اما چه کسی بر زخم دل خود آنان مرهم می گذاشت؟ سوخته دلان گرد هم آمده بودند اما سوخته را سوخته کی کند آرام؟

سیل غم و اندوه در صحرای کربلا در جریان بود و مزار شهیدان نگینی گشته بود که همه بازماندگان کربلا بر دورش حلقه زده و از خاطرات سفر شام می گفتند و عقده دل می گشودند و با گریه های طولانی و ناله های سوزان بی نظیرترین عزاداری تاریخ بشر را برپا ساخته بودند! زنان قبایل اطراف کربلا که از حضور کاروان آزادگان اطلاع یافته بودند خود را به این قافله رسانیده و در عزای آنها مشارکت جسته و کمر خدمت برای آنان بسته بودند. همان جا بود که خیمه های عزاداری بر ابا عبدالله الحسین علیه السلام برپا شد، خیمه هایی که تا قیام قیامت پابرجا مانده و پرچم آنها برافراشته تر خواهد شد.

با تدبیر امام زین العابدین علیه السلام پس از سه روز عزاداری و اقامت در کربلا، کاروان آماده حرکت به سمت مدینه شد.

پس از وداع مردم مدینه با رسول خدا صلی الله علیه و آله، روزی اندوه بارتر از ورود کاروان آزادگان به مدینه مشاهده نشد! هنگامی که خبر نزدیک شدن این کاروان به مردم مدینه رسید و متوجه شدند که امام زین العابدین علیه السلام به همراه زینب کبری و بقیه بانوان به دروازه شهر مدینه رسیده اند، سیل مردم برای استقبال از این کاروان به راه افتاد و

کسی در خانه نماند مگر اینکه با شتاب فراوان در حال حرکت به سمت دروازه شهر بود.

خبرها کم و بیش به مدینه رسیده بود ولی شنیدن کی بود مانند دیدن؟! برای مردم مدینه باورکردنی نبود مشاهده کاروانی که حسین بن علی علیه السلام در میان آن نباشد! و نه فقط حسین بن علی علیه السلام که هیچ‌یک از پسران علی بن ابی‌طالب علیه السلام در میان این کاروان نباشند! آنها با بانوانی روبرو شدند که در کمتر از یک سال گرد پیری بر سر و رویشان نشسته و زیر بار مصیبت‌ها کمرشان خمیده شده بود! با کودکان و نوجوانانی برخورد کردند که غبار یتیمی بر رخسارشان نشسته و درد و رنج‌های سفر آزرده‌خاطرشان ساخته بود.

کدامین دل در آن شرایط می‌توانست تاب بیاورد و بی‌اختیار ماشک نریزد؟ همه مردم مدینه غرق در دریای ماتم شده، اشک می‌ریختند و ناله سر می‌دادند و در فراق شهدای کربلا بر سر و روی خویش می‌زدند و آه حسرت می‌کشیدند!

و امام زین‌العابدین علیه السلام که گریه‌اش پایانی نداشت، در همان حال برای مردم از حوادث این سفر می‌گفت! از ظلم‌هایی که بر خاندان رسول خدا صلی الله علیه و آله روا داشتند! از غربت و مظلومیت فرزندان امیرالمؤمنین علیه السلام که با شهادت و شجاعت در برابر دژخیمان بنی‌امیه ایستادگی کردند و جام شهادت نوشیدند! از وفاداری و استقامت اصحاب و یاران اباعبدالله علیه السلام که در تاریخ بی‌نظیر بودند!

استقبال خیل عظیم مردم از این کاروان نشان داد که در پیکار نابرابر حزب بنی‌امیه با خاندان رسول خدا صلی الله علیه و آله چه کسی پیروز میدان است و آینده از آن چه کسی می‌باشد؟! مگر نور خدا با فوت کردن حقیرترین انسان‌ها خاموش‌شدنی است!:

«یریدون لیطفیوا نور الله بافواهمم و الله مئیم نورہ و لو کره الکافرون»
 آنان می خواهند نور خدا را با دهان خود خاموش سازند ولی خدا نور
 خود را کامل می کند هر چند کافران خوش نداشته باشند!

❁❁❁

و اما در مورد این کتاب:

۱. در کتابی که تحت عنوان «گزارشی مستند از کربلا، برگرفته از احادیث اهل بیت علیهم السلام و اسناد معتبر تاریخی» تقدیم خوانندگان گرامی شد وعده کرده بودیم که حوادث بعد از کربلا را نیز با همان سبک و سیاق تقدیم کنیم که با لطف الهی آماده و تحت عنوان «گزارشی مستند از حوادث بعد از کربلا، برگرفته از احادیث اهل بیت علیهم السلام و اسناد معتبر تاریخی» تقدیم می گردد.

۲. همان گونه که در مقدمه کتاب پیشین گفته شد تمام سعی و تلاش در این مجموعه بر این بوده است که مطالب ارائه شده مستند به کلمات معصومین و یا افراد موثق و مورد اعتماد باشد و از کتاب های تاریخی معتبر که نزد اهل فن مقبول هستند استفاده گردد، و در عین حال از نقل مطالبی که با محکمت و اصول اساسی مکتب اهل بیت علیهم السلام منافات دارد اجتناب نشده است.

۳. نگاه اصلی در این کتاب نگاه اثباتی بوده است، بدین معنی که تلاش شده نقل های معتبر و مستند از حادثه عاشورا که در میان آثار روایی و تاریخی ما وجود دارد ارائه گردد، اما نگاه سلبی و بیان موارد غلط و غیر واقعی و دست گذاشتن بر موارد تحریف شده و توضیح اشتباهات و خطاهای مورخان و نویسندگان در این کتاب نیامده است و به حول و قوه الهی در یک اثر دیگر به طور مستند و تحلیلی ارائه خواهد گردید.

❁

۴. پس از کتاب اول که حوادث را از موقع ورود کاروان امام حسین علیه السلام به کربلا تا هنگام شهادت آن حضرت روایت می‌کرد، در این کتاب حوادث بعد از شهادت امام علیه السلام تا ورود کاروان اسیران به کوفه و سپس شام و بازگشت آنها به کربلا و پس از آن به مدینه روایت می‌شود.

اللهم اجعلنا من أهل اليقين و من شيعة امير المؤمنين عليه افضل صلوات المصلين

محرم ۱۴۳۵ هجری قمری

۱۳۹۳ هجری شمسی

محمد محمدیان